

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y2Q30082 ISSN-P: 2717-1132

آسیب شناسی فقهی معاملات بورس

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۳/۱۲)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

ستاره آزادی

دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

امروزه بازار بورس یکی از مهمترین مکانها برای معاملات است و تأثیرگذاری آن در اقتصاد تا اندازه ای است که حذف آن از اقتصاد غیر ممکن است. بازار بورس با جمع آوری سرمایه های متفرق و اندک در جامعه به منظور رشد و توسعه اقتصادی امکان سرمایه گذاری در طرح های بزرگ تولیدی را فراهم می سازد. انگیزه اصلی سرمایه گذاران در این بازار، انجام معاملات و خرید و فروش سهام گوناگون برای دستیابی به سود و منافع است. اگر انجام معاملات در بازار بورس به صورت سالم و صحیح انجام پذیرد می تواند آثار مثبتی در رشد اقتصادی کشور داشته باشد. در این نوشتار ابتدا مفهوم بورس و انواع آن بیان شده و بعد احکام کلی بازار بورس و چالش های فقهی آن مورد بررسی قرار می گیرد. در نهایت مشروعیت فعالیت در بازار بورس در صورتی که در چارچوب احکام باب معاملات باشد اثبات می شود.

واژگان کلیدی: بازار بورس، مشروعیت، بورس بازی، بورس کالا، قمار

^۱ نویسنده مسئول ahmadvand@razi.ac.ir

مقدمه

هدف اصلی تشکیل بورس، مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی برای تأمین مالی مورد نیاز و هدایت سرمایه های خرد به سمت انجام پروژه های بزرگ و در جهت افزایش تولید است. با توجه به اینکه بازار بورس در رشد اقتصادی و تولید ثروت نقش موثری دارد از این رو از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و لازم است که مشروعیت معاملات انجام شده در آن بررسی شود. و اشکالات و چالش های فقهی که در این بازار مطرح می شود بیان و پاسخ داده شود. از جمله این اشکالات و شبهات این است که :

آیا فعالیت در بازار بورس، قمار است؟

آیا بورس بازی موجب غرر در معاملات می شود؟

با در نظر گرفتن اینکه در بازار سرمایه قبض و اقباضی صورت نمی گیرد آیا معاملات در

آن جزء معاملات « مالم یقبض » است که در شریعت اسلامی از معاملات ممنوع است؟

بخش دوم: مفهوم بورس

« بورس » لفظی فرانسوی است به معنای مایه، ذخیره موجودی سهام، دارای موجودی کردن و یا جزء موجودی نگاه داشتن. گفته شده است که ریشه این لغت از واژه لاتینی «bursa» است (فصلنامه حوزه، ۱۳۶۷: ش ۲۶ / ۱۱۴). در اصطلاح عبارت از بازار متشکل، منظم و دائمی است که در آن کالا و سهام مبادله می شوند. (نقل از وبگاه سازمان بورس اوراق بهادار تهران)

بخش سوم: انواع بورس

۱- **بورس اوراق بهادار:** بورس اوراق بهادار بازاری رسمی و دائمی است که در یک محل

معین تشکیل و در آن اوراق بهادار معامله می شود (معصومی نیا، ۱۳۸۷: ۲۸: گلریز، ۱۳۷۴: ۲۴).

۲- **بورس کالا:** بورس معاملات کالا، بازار خرید و فروش دائمی و منظمی است که در آن

کالاهای معینی معامله می شود. در این بورس بیشتر، کالاهای خام و مواد اولیه مانند گندم، جو، آرد، شکر، دانه های روغنی و... خرید و فروش می شود (معصومی نیا، ۱۳۸۷: ۲۸).

برخی بورس های کالا بورس های عمومی کالا هستند؛ یعنی کالاهای متعدد و متنوعی در آن دادوستد می شوند. برخی نیز بورس کالاهای خاصی هستند؛ مانند بورس پنبه نیویورک و بورس نفت نیویورک.

مشخصه های اصلی بورس های کالا عبارت اند از:

۱. کالاها عموماً در خود بورس موجود نیست بلکه عموماً نمونه آن در بورس وجود دارد.
۲. کالاهای مورد معامله در بورس، کالاهای طبقه بندی شده و استاندارد با مشخصات کامل است به طوری که خریدار یا فروشنده از مشخصات کالای مورد معامله کاملاً مطلع اند (همان).

۳- بورس اسعار: بورسی است که در آن پول کشورهای مختلف معامله می شود و یکی از تخصصی ترین بورس های جهان است (همان گلریز، ۱۳۷۴: ۲۴).

بخش چهارم: جایگاه بازار بورس

بازارهای سرمایه به محدوده وسیعی گفته می شود که منابع مالی یا ابزارها و یا دارایی های مالی بلند مدت در آنها معامله می شود. نقش اصلی بازارهای مالی به طور کلی و بازارهای سرمایه به طور خاص تسهیل کردن فرایند تجهیز پس اندازهای اقشار مختلف جامعه و انجام سرمایه گذاری های مورد نیاز و در نهایت تخصیص بهینه سرمایه به عنوان مهمترین عامل تولید و ایجاد ثروت است. بازار سرمایه به عنوان یکی از ارکان بازار مالی، نقش به سزایی در بسیج امکانات مالی و سرمایه ای به منظور رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد و هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان نقش تامین مالی اعتبارات مورد نیاز بنگاه های اقتصادی را بر عهده دارد. بازار سرمایه این امکان را به سرمایه گذاران می دهد که در تعداد زیادی بنگاه سهام شوند و با تنوع امکانات واسطه های مالی، اقتصاد را به سرمایه گذاری در پروژه های با ریسک بالا تشویق می کند؛ که این امر منجر به تحریک رشد اقتصادی می شود. (حسن زاده و احمدیان، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴) بازار سرمایه شرایطی را فراهم می کند که خانواده ها بهتر بتوانند ترجیحات ریسکی خود را طبقه بندی نموده و نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین نمایند. در بازار سرمایه توسعه یافته مالکیت سهام می تواند نقدینگی مورد نیاز برای سرمایه گذاری در پروژه ها را فراهم نماید. به طور خلاصه می توان گفت بر اساس مبانی موجود در ارتباط با رشد اقتصادی و بازار سهام، این بازار می

تواند به واسطه سرمایه گذاری منجر به رشد اقتصادی بالاتر شود. (حسن زاده و احمدیان، ۱۳۸۸، ص ۳۴) بازارهای سرمایه به مفهوم وسیع کلمه بخش بزرگی از بازارهای مالی را تشکیل می دهد؛ در حالی که بازار سرمایه به مفهوم خاص آن، یعنی بورس اوراق بهادار، به عنوان هسته مرکزی بازار سرمایه در شکل بازار متشکل و منضبط برای داد و ستد انواع معینی از منابع مالی یا دارایی های مالی بلند مدت مانند سهام و اوراق مشارکت را به منظور کمک به توسعه اقتصادی کشور به وجود می آورد. در بسیاری از کشورها، بازار بورس اوراق بهادار، هسته مرکزی بازار سرمایه است و سالانه مبلغ بسیاری از سرمایه های سرگردان از مجرای بورس به سوی واحدهای مولد و فعال جامعه هدایت می شود. این بازارها ضمن سهم بردن عموم مردم در مالکیت شرکت ها، با توجه به این که حجم زیادی از مبادلات در آن اتفاق می افتد سبب تمرکز مهمترین و اساسی ترین فعالیت های دولت ها شده است. در ادبیات اقتصادی حاکم در جهان بین پیشرفت اقتصادی کشورها و گسترش بازار بورس رابطه مستقیمی وجود دارد؛ چون بورس یک نوع بازار مالی است که در آن سرمایه در معرض عرضه و تقاضا قرار می گیرد و تدبیری برای منحرف کردن مقدار زیادی از منابع کشور از تهیه کالاها و خدمات مصرفی به سوی تولید کالاهای سرمایه ای است، به عبارت دیگر، بورس از راه تشویق مردم به سرمایه گذاری از محل پس اندازهای خود سرمایه ها را متمرکز می کند و زمینه لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم می کند. بنابراین با گسترش بورس، حجم سرمایه گذاری در جامعه بالا می رود و با افزایش حجم سرمایه گذاری های مختلف در جامعه پیشرفت اقتصادی ممکن می گردد. سرمایه در بورس بدون حمایت از بنگاه های خاص و تنها بر اساس کارایی تسهیم می شود. نقش اصلی و عمده بورس اوراق بهادار عبارت از تجهیز پس اندازهای جامعه اعم از خرد و کلان برای تخصیص بهینه و از این رو، بورس این توانایی را دارد که نیازهای بزرگ سرمایه ای را تأمین کند. از سوی دیگر، بورس اوراق بهادار با تبدیل منابع مالی کوتاه مدت به مصارف بلند مدت، سبب ترغیب و تشویق سرمایه گذاری در امر تولید و تجارت می شود. به عبارت دیگر، با ایجاد مکانیسم خرید و فروش دایمی و مستمر (بازار ثانویه)، پس انداز کننده می تواند در هر لحظه، نیاز نقدینگی خود را با فروش دارایی های مالی خود از طریق بورس اوراق بهادار تأمین نماید و در عین حال، تولید کننده با لحاظ این ویژگی، می تواند روی

این منابع به صورت کاملاً بلند مدت تکیه کرده و برنامه ریزی نموده و از آنها استفاده طولانی مدت ببرد.

بخش پنجم: آثار و پیامدهای توسعه بورس

بند اول: آثار و پیامدهای مثبت

برخی از مزایای وجود بورس را می توان به شرح ذیل بیان نمود:

۱. بورس از طریق جذب و به کار انداختن سرمایه های راکد سرمایه گذاری را در جامعه بالا می برد. (افزایش تشکیل سرمایه)
۲. بورس بین عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان سرمایه تماس برقرار می کند و معاملات بازار سرمایه را تنظیم می نماید.
۳. با قیمت گذاری سهام و اوراق بهادار تا حدودی از نوسان شدید قیمت ها جلوگیری می کند.
۴. مردم به پس انداز تشویق می شوند و این پس اندازها در فعالیت های اقتصادی بکارگیری و موجب کاهش نرخ تورم می گردد. (جمع آوری نقدینگی و کنترل تورم)
۵. بورس و فعالیت های مربوط به آن سرمایه های لازم را برای اجرای پروژه های دولتی و خصوصی فراهم می آورد. (افزایش تولید)
۶. بورس با شرکت دادن تعداد زیادی از مردم جامعه در سرمایه گذاری ها به بهبود توزیع درآمد و ثروت در سطح کشور کمک می کند. (افزایش مشارکت عمومی در سرمایه گذاری و تولید)
۷. ارزیابی مجدد سرمایه گذاری، این ارزیابی های مجدد به انسان فرصت می دهد تا در تعهدات خود تجدید نظر نماید و نقدینگی به سمت بخش های کارا و سود آور حرکت کنند. به عبارت دیگر سبب تخصیص بهینه می شود.
۸. جلوگیری از جولان نقدینگی در بازارهای غیر مولد همچون بازار ارز و طلا.
۹. تعمیق بازار مالی با تنوع در منابع و روش های تامین مالی.

بند دوم: پیامدهای منفی

اگرچه خود بورس فی نفسه آثار منفی ندارد اما با توجه به ساختار تشکیلاتی آن می تواند زمینه ساز برخی از انحرافات باشد. رفتار بیشتر فعالان این بازار تحت تأثیر انتظارات و

پیش بینی های کوتاه مدتی است که بر حسب قیمت های سهام صورت می گیرد و کمتر بر اساس عملکرد بنگاهها و بخش حقیقی می باشد. به عبارت دیگر، سرمایه گذاری در بورس معلول وضعیت انتظاری و ذهنی از اوضاع اقتصادی می باشد، یعنی سرمایه گذاران به دنبال تحلیل و بررسی بازده احتمالی بلند مدت سرمایه گذاری خود در بنگاهی که سهام آن را دارا هستند نمی باشند بلکه در اندیشه آن هستند که تغییراتی را که بر پایه روانشناسی توده ها به وجود می آید، اندکی زودتر از دیگران پیش بینی نمایند. از این طریق زیان احتمالی خود را کاهش و یا به عائدی بیشتر دست یابند. لذا گسترش این نوع نگاه سبب کم رنگ شدن روحیه ورود به فعالیت های تولیدی می شود. حاکم شدن روحیه سفته بازی بدین ترتیب است که انسان عقلایی در اندیشه کلاسیکی جای خود را به فردی دهد که بر اساس حالات روانی، احساسات و نظرات فریبنده و در محیطی تقریباً آکنده از جهل و منطبق با انتظارات دلالتان تصمیم می گیرد و در نتیجه تخصیص نامناسب منابع را به دنبال دارد. از این رو مادامی که خوشبینی در بازارها حاکم باشد، فعالیت های سفته بازی به طمع کسب سود بیشتر گسترش می یابد و بازارها رشد می کنند، اما به محض شیوع بدبینی در بازار، خوی حیوانی فعالان بازار در گریز از زیان، سقوط بازارهای مالی را رقم می زند و بازارهای مالی در این گرداب سفته بازی خود ساخته غرق می شوند. برخی معتقدند عملیات سفته بازی در بورس باعث می شود که قیمت سهام در بعضی مواقع از ارزش ذاتی و واقعی سهام فاصله زیادی بگیرد. ملاحظه نوسانات شدید قیمت سهام در اکثر بورس های دنیا گواهی این ادعا است که قیمت سهام تحت تاثیر انگیزه های سفته بازی و هیجانات عمومی ممکن است از ارزش واقعی سهام، بسیار بیشتر یا کمتر گردد. البته اثبات این که قیمت سهام تفاوت زیادی از ارزش واقعی سهام پیدا کرده کار دشواری می باشد، زیرا استاندارد خاصی برای اندازه گیری ارزش سهام وجود ندارد. از سوی دیگر در بورس اوراق بهادار امکان تبانی قیمت و اعمال نفوذ در تعیین قیمت وجود دارد. تاریخچه بورس های دنیا نشان می دهد که در گذشته، تقلبات و اعمال نفوذهائی در تعیین قیمت سهام صورت گرفته است و از این طریق زیان های هنگفتی متوجه عموم سرمایه گذاران شده است. به همین منظور در اکثر کشورها مقررات ویژه ای برای جلوگیری از این تقلبات و سوء استفاده ها وضع شده و نهایت کوشش جهت تعیین آزادانه قیمت ها معمول گردیده است. تقلبات و

تخلفات رایج در بازار سرمایه به موارد فوق که سبب دور شدن از اهداف و غایات تشکیل بازار بورس است منحصر نمی شود بلکه می توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

۱. انتشار اخبار کذب و یا ارائه اطلاعات نادرست توسط شرکت ها: در بازار سهام، تغییر قیمت سهام به میزان زیادی بستگی به انتشار اخبار و گزارشات در مورد وضعیت اقتصاد، صنعت و شرکت دارد. لذا یک طریق کسب سود انتشار اخبار نامساعد کذب در بازار به منظور کاهش قیمت سهام و جمع آوری سهام در قیمت های پایین و سپس انتشار اخبار مساعد در بازار به منظور افزایش قیمت سهام و فروش سهام به قیمت های بالا می باشد.

۲. معاملات صوری: در این روش یک نفر به تنهایی و یا به کمک فرد دیگری اقدام به خرید و فروش همزمان سهام می نماید. اگر چه ظاهر معامله ای انجام شده ولی تغییر مالکیت واقعی صورت نپذیرفته است. هدف از این گونه معاملات ایجاد قیمت مصنوعی و غیر واقعی برای سهام به منظور کسب سود و یا نشان دادن زیان مصنوعی برای اهداف مالیاتی می باشد. از سوی دیگر خریدهای مداوم این گروه باعث می شود که قیمت سهام به تدریج افزایش یابد و بدین ترتیب با انحصار در فروش، اوضاع بازار ملتهب می شود.

بخش ششم: احکام کلی بازار بورس

به علت پیدایش جدید بازار بورس و نبود آن در آغاز ظهور اسلام، هم چنین نبود حکم کلی برای بازار بورس، باید حکم معاملاتی را که در این بازار انجام می شود یک به یک بیان داشت. اگر در بازار بورس، در مورد قالب های فقهی و حقوقی قرارداد معاملات بحث کنیم، در صورتی که خرید و فروش و فعالیت در این بازار به انگیزه سود در چهارچوب احکام و قوانین شریعت انجام شود، فعالیت در این بازار جایز بوده و هیچ گونه منعی ندارد. اگرچه در اسلام احکامی برای بازار بورس مطرح نشده، احکام و شرایط مربوط به معاملات اسلامی را می توان به معاملات بازار بورس تعمیم داد. آیا عملیات بورس بازی جایز است؟ بورس بازی اگر به صورتی کنترل شده و موفق انجام شود، آثار مثبتی از قبیل کاهش نوسان قیمت ها و افزایش درجه نقدینگی دارایی و سهولت تجهیز منابع مالی دارد؛ بنابراین، تجویز بورس بازی، امکان دستیابی به آثار مثبت آن را فراهم می آورد. افزون بر این، در تحلیل های اقتصاد کلان نیز مؤثر است.

بخش هفتم: نظر شهید صدر؛ درباره بورس بازی و نقد آن

شهید صدر تجارت را شعبه ای از تولید شمرده و معتقد است: سودی که از خرید و فروش به دست می آید، باید نتیجه خدمتی باشد که تاجر آن را تولید می کند و صرف نقل و انتقال مالکیت بدون تولید خدمت نمی تواند مجوز سود بردن باشد. وی تجارت را به دو قسم تجارت مادی و قانونی تقسیم کرده، تجارت مادی را نقل اشیا از یک مکان به مکان دیگر و تجارت قانونی را صرف نقل و انتقال مالکیت از طریق عقود معاملی معنا می کند و معتقد است: اگر تجارت قانونی با تجارت مادی (تولید خدمت) همراه نباشد نمی تواند منشا سود باشد. و بعد نتیجه می گیرد که مخاطره و ریسک نمی تواند منشاء درآمد باشد. از دیدگاه شهید صدر، بورس بازی که با مفهوم تجارت قانونی ملازم است نمی تواند منشاء درآمد مشروع باشد.

نقد آرای شهید صدر: وی منشأ درآمد مشروع را کار مفید اقتصادی به صورت بالفعل یا ذخیره شده در ابزار تولید و سرمایه های فیزیکی، می داند؛ در حالی که برخی درآمدهای مشروع وجود دارد که نتیجه کار مفید اقتصادی نیست. یکی از آن موارد، سهم سود صاحبان پول در عقد مضاربه است. شهید صدر، مشروعیت این گونه درآمدها را به وسیله اصل ثبات مالکیت توجیه میکند؛ آن گاه این پرسش مطرح می شود که آیا اصل ثبات مالکیت نمی تواند درآمد حاصل از افزایش قیمت کالایی را که مالک آن شخص معینی است توجیه کند؟ برای مثال، فرض می کنیم فردی، ماشینی را به قیمت چهار میلیون تومان می خرد. پس از مدتی به دلیل تغییر و تحولاتی که در بازار ماشین صورت میگیرد، قیمت ماشین او به چهار میلیون و پانصد هزار تومان افزایش می یابد؛ در حالی که قیمت کالاهای دیگر ثابت است. اگر این فرد، ماشین خود را بفروشد و از این طریق، پانصد هزار تومان سود ببرد، بی تردید چنین سودی مشروع است و اصل ثبات مالکیت همان گونه که منشأ سهم سود صاحب سرمایه در مضاربه است میتواند منشأ چنین درآمدهای نیز باشد؛ زیرا افزایش قیمت کالا در ملک این فرد تحقق یافته و کسی که مالک کالا است، مالک اصل مالیت و افزایش آن نیز هست. بر این اساس، خرید و فروش دارایی به منظور کسب درآمد از طریق تغییرات قیمت ها و استفاده از فرصت های موجود در بازار اسلامی، جایز است؛ گرچه ملازم با تولید خدمت (به مفهومی که مورد نظر شهید صدر است، یعنی نقل و انتقال در مکان) نیز نباشد.

بخش هشتم: چالش های کلی فقهی بازار بورس

به طور کلی، در مورد مشروعیت معاملات بازار بورس همواره نگرانی هایی وجود دارد. این نگرانی ها از چند منظر مورد بحث اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است که هر یک باید بررسی شود.

شبهه معاملات غرری: نقش اطلاعات در بازار بورس بسیار حائز اهمیت است. دسترسی نداشتن به موقع به اطلاعات صحیح و با کیفیت، انتشار اطلاعات کاذب و نادرست سبب ایجاد معاملات غرری می شود. معاملات اسلامی باید از غرر خالی باشند. معاملات غرری معاملاتی هستند که متعاملین آن توانایی تشخیص سودمند بودن یا زیان بار بودن معامله را ندارند و به عواقب معامله جاهل بوده و از ناحیه آن جهل به آنها امکان ضرر رسیدن وجود دارد. معاملات در اسلام باید از جهل یا اطلاعات کاذب به دور باشند. پیرامون حکم غرر احادیث فراوانی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که بیشتر آنها ضعیف بوده و در کتب روایی اهل سنت آمده است. مشهورترین حدیثی که در زمینه نقل شده است «نهی النبی عن بیع الغرر» است. این حدیث هر چند مرسله و ضعیف است، ضعف آن با شهرت میان خاصه و عامه جبران شده و قابل استناد است (طالب احمدی، ۱۳۸۰: ۴۷). در بازار بورس کنونی، همواره افراد خاصی در کسب اطلاعات از مزیت تقدم زمانی و محتوای کیفی برخوردارند. در چنین حالتی، بازار سهام در ایفای نقش خود یعنی توزیع متقارن و هم زمان اطلاعات دچار ناکارایی است. پس، در بازار بورس اسلامی نیازمند نهاد نظارتی برای توزیع متقارن اطلاعات و جلوگیری از دستکاری قیمت ها هستیم تا از بروز معاملات غرری جلوگیری شود.

شبهه معامله غبنی هنگام دستکاری قیمت ها: علاوه بر عدم تقارن اطلاعاتی، بورس بازان گاهی در جهت کسب سود سریع با یکدیگر تبانی می کنند و با دستکاری قیمت ها قیمت ها را غیر حقیقی جلوه می دهند تا بر مبنای اطلاعات خود از قیمت های واقعی بازار و بی اطلاعی دیگران، درآمد کسب کنند. دستکاری قیمت ها رفتاری آگاهانه و از قبل طراحی شده است که به قصد فریب سرمایه گذاران از طریق تأثیر گذاری مصنوعی بر بازار یک نوع اوراق بهادار از طریق معاملات صوری یا محدود کردن نرخ شناوری یک نوع اوراق بهادار است، به نوعی که باعث محدودیت در دسترسی عمومی به آن شود که سبب ارائه تصویری

غلط از تقاضا برای یک نوع اوراق بهادار می‌شود. انتشار اطلاعات کاذب و دستکاری قیمت‌ها به وسیله معاملات صوری ممنوع و حرام است. معاملات صوری به معاملاتی می‌گویند که در آن یک نفر به تنهایی یا به کمک فرد دیگری به خرید و فروش همزمان سهام اقدام می‌کند. اگر چه به ظاهر معامله‌ای انجام شده، تغییر مالکیت به معنای واقعی صورت نگرفته است. هدف از ایجاد این معاملات، ایجاد قیمت‌های مصنوعی و غیر واقعی برای سهام به منظور کسب سود یا نشان دادن زیان مصنوعی برای اهداف مالی است. دستکاری قیمت‌ها باعث عدم امکان دستیابی به اطلاعات دقیق و کافی سایرین می‌شود و معامله میان بورس بازان باعث به خطر افتادن منافع سایر سهامداران می‌شود. معامله هر چند با رضایت طرفین انجام شود، نباید زیانی را برای شخص ثالث به همراه داشته باشد. در این شرایط، چنانچه شخص ثالث با یک معامله که بین دو طرف انجام شده، متضرر شود، می‌تواند از حقوق مربوط به خود در این زمینه استفاده و از زیان خود جلوگیری کند. درباره قیمت‌ها و تعیین قیمت‌ها در کتب روایی و فقه شیعه احادیث گوناگونی وجود دارد؛ از آن جمله می‌توان به کتاب‌های شیخ صدوق (ره) اشاره کرد. وی در کتاب من لایحضره الفقیه و نیز در کتاب توحید نقل می‌کند:

به رسول خدا عرض شد کاش برای ما نرخ کالاها را تعیین می‌کردید زیرا نرخ‌ها در نوسان است و بالا و پایین می‌رود. حضرت فرمودند: من کسی نیستم که خدای را با بدعتی که درباره آن سخنی با من نفرموده است ملاقات کنم. پس بندگان خدا را به حال خود واگذارید تا از یکدیگر استفاده کنند و هر گاه از شما راهنمایی خواستند راهنمایی کنید (موسویان و بهاری قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) در منابع اهل سنت نیز روایاتی به این مضمون وجود دارد؛ نظیر روایتی که ابوهیره نقل می‌کند:

مردی نزد رسول خدا (ص) عرضه داشت: ای رسول خدا قیمت تعیین کن. حضرت فرمود: بلکه دعا می‌کنم. مرد دیگری آمده و عرض کرد: ای رسول خدا (ص) قیمت تعیین کن. حضرت فرمودند: این خداست که قیمت‌ها را بالا و پایین می‌برد و من امیدوارم خدا را در حالی ملاقات کنم که ظلمی از من به کسی نرسیده باشد (همان: ۱۱۶).

پس می‌توان گفت از نظر اسلام، فقط قیمت‌هایی عادلانه هستند که در نتیجه نیروهای عرضه و تقاضای واقعی و بدون مداخله تعیین می‌شوند؛ یعنی، در بازار اسلامی قیمت‌ها با عرضه و تقاضای طبیعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در بازار مشخص می‌شود. هیچ

شخصی حق قیمت گذاری ندارد و بازار قیمت ها را تعیین می کند (در بازار اسلامی فقط در شرایط انحصار و احتکار، دولت انحصار کنندگان و احتکار کنندگان را به عرضه کالا موظف کرده و در صورت امتناع آنان، قیمت را تعیین می کند). اما در برخی موارد، قیمت ها به دلیل تبلیغات مثبت یا منفی از قیمت عادلانه فاصله گرفته اند که باعث غبن و غیر اخلاقی شدن معامله می شود. در اصطلاح حقوقی، عقد همراه غبن یعنی زیان ناشی از عدم تعادل بین طرفین در زمان معامله، که به زیان دیده بعد از آگاهی به غبن، حق فسخ می دهد. بدیهی است تبانی، معاملات صوری و دستکاری قیمت ها سبب کسب سود برای عده ای در قبال زیان دیدن عده ای دیگر می شود، اعتماد عمومی بر عادلانه بودن بازار سبب افزایش کارایی و نقدشوندگی آن می شود. دستکاری بازار انسجام و یکپارچگی آن را از بین می برد و سبب از بین رفتن اعتماد عمومی به بازار و در نتیجه کاهش کارایی بازار می شود. اسلام بازار آزاد را تصور می کند که در آن قیمت ها را نیروهای عرضه و تقاضا تعیین می کنند.

بخش نهم: شبهه قمار در معاملات بورس

تصمیم گیری معاملات در بازار بورس چون بر پایه احتمالات است، ممکن است شبهه قماري بودن آن مطرح شود. قمار به خطر انداختن پول در وضعیت عدم اطمینان و بر پایه شانس و تصادف به امید کسب منفعت است و در صورت بازنده شدن، فرد بازنده پولی را که بر سر آن شرط بسته شده از دست خواهد داد. در قماربازی طرفین در معرض خطر از دست رفتن مال قرار می گیرند. قرآن کریم صریحاً بر حرمت قمار تأکید کرده است. در این جا به ذکر دو آیه بسنده می شود:

یسئلونک عن الخمر والمیسر قل فیهما إثم کبیر و منافع للناس و إثمهما أكبر من نفعهما: از شراب و قمار از تو می پرسند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و منافی برای مردم وجود دارد و گناهشان از سودشان بیشتر است (بقره: ۲۱۹).

یا ایها الذین آمنوا إنما الخمر والمیسر والأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تحقیقاً شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه، از اعمال پلید شیطانی است پس دوری کنید، شاید رستگار شوید (مائده: ۹۰)

در جواب این شبهه می توان گفت قمار و شرط بندی مبتنی بر عمل نامشروع است و در قالب معاملات مشروع اسلامی قرار نمی گیرد، در حالی که بورس بازی در بازار سهام یک معامله در قالب بیع است و به کلی با قماربازی متفاوت است. همچنین، در قمار بازی طرفین گرو می گذارند، ولی در بازار بورس گرویی وجود ندارد (صالح آبادی، ۱۳۸۲).

از دیدگاه شهید صدر و هم چنین دو آیه شریفه: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ: خدا خرید و فروش را حلال کرده است.» (بقره ۲۷۵) و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ: مال هایتان را در میان خود به ناروا نخورید، بلکه باید داد و ستدی به توافق خودشان باشد.» (نساء: ۲۹)، می توان بیان کرد با توجه به ماهیت فعالیت در بازار بورس، شبهه شرعی بودن سود حاصل از فروش اوراق بهادار وجود دارد.

در پاسخ به این شبهه می توان گفت در خرید و فروش سهام دو معامله مستقل و مجزا از هم صورت گرفته است که در هر دو معامله سبب شرعی است، زیرا معامله سهام معامله هایی صحیح هستند و در هریک از این معاملات در برابر آن عوض ارزش مندی که همانا بخشی از مالکیت سهام یک شرکت است، تملیک یا تملک می شود (صالح آبادی، ۱۳۸۲: ۶۵). به عبارت دیگر، سود حاصل از خرید و فروش اوراق بهادار جایز و مشروع است.

بنابراین، در بازار بورس و سهام اسلامی چنان چه بورس بازی شامل موارد ذیل شود، مشروع نیست:

۱. دستکاری قیمت سهام و سوق دادن قیمت به سوی قیمت ناعادلانه؛
۲. نا آگاهی در معاملات سهام؛
۳. غرر در معاملات سهام؛
۴. تبانی در معاملات سهام؛
۵. اشاعه کذب و ارائه اطلاعات غلط و گمراه کننده؛
۶. انجام معاملات صوری و دستکاری ناعادلانه بازار؛
۷. معاملات مبتی بر اطلاعات داخلی در صورتی که سبب غبن طرف مقابل شود (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

در بازار بورس اسلامی، هنجارهای اخلاقی در مقایسه با کارایی در اولویت قرار دارند. و به هر نحو باید تحقق یابند، زیرا التزام به اخلاق مالی اسلامی باعث تحقق کارایی می شود.

قانون گذاران در بازار سهام هم زمان با دو مقوله اخلاق و کارایی مواجه اند. برخی از قوانین هم کارایی و هم اخلاق را بهبود می بخشند؛ مثلا، افشای اجباری اطلاعات، نابرابری اطلاعات را کاهش میدهد(بهبود کارایی) و در عین حال باعث دست یابی یکسان به اطلاعات نیز می شود (بهبود اخلاق)، اما در اغلب موارد، قوانین موجود حاصل انتخاب بین کارایی و اخلاق است (همان: ۱۵۰).

انتشار به موقع اطلاعات در خصوص داده های پیش از انجام معامله و پس از انجام معامله، قطعا باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مشارکت کنندگان در بازار می شود. از ویژگی های بازار بورس اسلامی تعیین قیمت ها توسط عرضه و تقاضای طبیعی بدون هیچ گونه مداخله و وجود نظام نظارتی قوی و متشکل از متخصصان است که از طریق انتشار به موقع و صحیح اطلاعات در بازار سهام و جلوگیری از اشاعه کذب، ملزومات معاملات شرعی را فراهم می آورند که سبب جلب اعتماد عمومی و افزایش سرمایه گذاری در بازار بورس می شود و در نهایت افزایش کارایی بازار بورس را به دنبال خواهد داشت.

بخش دهم: بورس کالا و چالش های آن

بورس کالا شامل بورس فلزات و محصولات کشاورزی، نفت، طلا، نقره و... است که معاملات و قراردادهای رایج در یکی در بقیه نیز رواج دارد. بی شک، از مهمترین اهداف تأسیس بورس کالا ایجاد بازاری قانون مند، شفاف سازی معاملات و قیمت ها، حذف واسطه گری های غیر ضروری و مبادله آزاد کالا بین عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان است. در بورس کالا، داد و ستد کالاهای خام و فرآوری نشده مرسوم است که نقش اساسی در صنعت یا تولیدات کالاهای دیگر دارند. فعالان بازار بورس کالا، خریداران عمده و تولید کنندگان هستند. از این رو، اطمینان از وضعیت آینده برای تصمیم گیری درباره تولید و مقدار آن از نگرانی های خریداران و فروشندگان این بازار است. معاملات نقد به طور معمول در مورد خریدهای محدود یا برای نیازهای اتفاقی صورت می گیرد و حجم اندکی از تمام معاملات رایج را پوشش می دهند. غالب خریداران و فروشندگان عمده از معاملات غیر نقدی استفاده می کنند تا با اطمینان درباره آینده به فعالیت بپردازند. بنابراین، معاملات بورس کالا عمدتا به سه طریق انجام می گیرند:

۱. معاملات نقد؛

۲. معاملات نسبه (کالا تحویل داده می شود، ولی مبلغ را در آینده می پردازد. این نوع معامله در بورس کمتر رایج است)؛
۳. معاملات سلف.

در این بازار، نگرانی تولید کنندگان درباره سود یا ضرر احتمالی تولید ناشی از قیمت های نامعلوم آینده و نگرانی خریداران از قیمت ها و میزان محصول مورد نیاز خود، انگیزه تولید کنندگان و خریداران را برای معاملات سلف افزایش می دهد. معاملات سلف پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین است. در این معامله، خریدار قیمت کالای کلی را هنگام معامله به فروشنده می پردازد و کالا را در موعد معین تحویل می گیرد. معامله سلف می تواند ریسک آینده را کاهش دهد و متعاملین با اطمینان بیشتری درباره آینده خود می توانند تصمیم بگیرند. همچنین، نمی توان کالای خریداری شده به عقد سلف را قبل از موعد فروخت. از این رو، این معاملات در بازار ثانویه امکان ندارد. از سوی دیگر، در اکثر معاملات این بازار، کالا به صورت کلی خریداری و در تاریخ معین تحویل داده می شود و خریدار نیز به علت نداشتن نقدینگی یا غیر آن، مبلغ را در موعد تحویل کالا می پردازد. در واقع، طرفین معامله برای اطمینان از آینده اصل معامله را قطعی می کنند. بر این اساس، تحویل کالا و پرداخت مبلغ معین در آینده صورت می گیرد. این نوع معاملات چون مستلزم هیچ گونه پرداختی نیست، بیشتر مورد استقبال قرار می گیرد و فقط برای اطمینان طرفین، به یکدیگر حواله انبار آینده و چک مدت دار یا LC تحویل میدهند (طالبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷)؛ یعنی، افراد بدون پرداخت مبلغ و داشتن سرمایه می توانند قرارداد را منعقد کنند. در مورد بورس کالا چند چالش فقهی مطرح شده است. یکی از چالش ها موضوع احتکار است. کسی که مال را می خرد و به امید گران شدن مال، آن را نگه می دارد. این نگهداری و خودداری از عرضه آن به بازار، می تواند مصداق احتکار به شمار رود، زیرا احتکار نگه داری مایحتاج مردم به امید گرانی و سود بیشتر است و در شرع مقدس از آن منع شده است. پاسخ به این اشکال به چند گونه متصور است:

الف) در بسیاری موارد، احتکار صورت نمی گیرد؛ مثلا، اگر کسی پیش بینی کند که یک نوع دارایی در آینده گران خواهد شد و برای دستیابی به سود، آن دارایی را به صورت سلف بخرد و پس از آن که وقت مقرر گذشت و کالا را تحویل گرفت، آن را نقدی بفروشد، در این صورت کالای خریداری شده را نگه داشته با آن که احتکار صدق نمی کند.

ب) اکثریت قریب به اتفاق فقیهان موضوع احتکار را گندم، جو، کشمش، خرما، روغن و نمک شمرده و فرموده اند احتکار در غیر این موارد حرام نیست.

ج) تقریباً همه فقیهان دو شرط را برای احتکار حرام ذکر کرده اند:

۱. باید به این انگیزه که قیمت در بازار افزایش یابد، کالا را خریده، احتکار کند؛

۲. باید غیر از فرد محترک، فرد دیگری که نیاز بازار را جبران کند، وجود نداشته باشد.

برخی از فقها شرط نیاز را نیز ذکر کرده اند؛ یعنی، کالا باید مورد نیاز مردم باشد؛ به گونه ای که کاهش عرضه آن در بازار، سبب ضیق معیشت مردم شود. با توجه به این شروط موارد زیر از احتکار حرام خارج است:

الف) نگهداری کالای مورد نیاز مردم به گونه ای که کمبود آن سبب ضیق معیشت شود نیست؛ مانند کالاهای لوکس؛

ب) در صورتی که نگه داری کالا توسط این فرد به دلیل وفور کالا باعث افزایش قیمت بازار نشود و انگیزه فرد برای نگه داری کالا پیش بینی افزایش قیمت ها در آینده به دلیل دیگری باشد؛

ج) در صورتی که افراد دیگری که حاضر باشند. این کالا را به قیمت بازار عرضه کنند، وجود داشته باشند.

چنان که ملاحظه می شود با شروط پیشین، نگهداری و احتکاری که لازمه بورس بازی در عصر ماست، در بیشتر موارد از دایره احتکار محرم خارج است. البته، اگر احتکار و بورس بازی به حدی برسد که سبب اضرار بر مسلمانان شود، قطعاً حرام است (میر معزی، ۱۳۸۲:

۵۸)

هم چنین روایتی نیز در این زمینه وجود دارد. حلبی از امام صادق (ع) می پرسد مردی طعام را احتکار کرده، انتظار گران شدن آن را می کشد. آیا چنین کاری صلاح است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: اگر طعام زیاد است و به اندازه نیاز مردم وجود دارد، اشکالی ندارد. همچنین از بیانات امام صادق است که در این باره می فرماید، اگر فروشنده دیگری در شهر وجود دارد که این کالا را می فروشد، هیچ اشکالی ندارد که فردی این کالا را بخرد و نگه دارد و برای فروش آن قیمت بیشتری را بطلبد یا آن را نگه دارد و منتظر بهبود اوضاع و گران شدن قیمت شود (همان: ۶۲). در نتیجه، شبهه احتکار در بورس کالا وارد نیست. چالش دیگری که در مورد قراردادهای رایج در بورس کالا مطرح است، عدم پرداخت مبلغ

قرارداد در عقد سلف است که به قراردادهای آتی موسوم است. معاملات آتی فقط در استاندارد شدن مقدار و کیفیت انجام معامله در صحن علنی بورس با معاملات سلف متفاوت است. گفته می‌شود ماهیت قراردادهای آتی همان بیع کالی به کالی (دین به دین) است. بیع کالی به کالی بیعی است که ثمن و مثن هر دو کلی بوده و برای تسلیم آن موعدی در آینده تعیین شده باشد. در بورس های نفتی جهان و بورس های کالاهای صنعتی، کشاورزی و انرژی، عمده معاملات با این قراردادهای انجام می‌گیرد. بر اساس روایات موجود، فقها این بیع را باطل و نامشروع می‌دانند. با وجود این، قانون مدنی ایران در برابر ذکر صحت یا بطلان آن مسکوت است. شاید، دلیل آن تردید در قابل استناد بودن این روایات بوده است. همین امر موجب شده تا پاره ای از نویسندگان با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر ضرورت هماهنگی قوانین و مقررات با موازین شرعی تأکید دارد، این نوع بیع را باطل و نامشروع بدانند (سلطانی نژاد، ۱۳۷۵: ۲۴). اما، در مورد قراردادهای آتی باید دانست این قراردادهای در تجارت بین الملل بسیار رایج بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر قرار باشد به اجمال و کلی، عنوان بیع کالی به کالی بر این قراردادهای تطبیق داده شود، و قرار بر بطلان آنها گردد، اشکالات زیادی در جریان تجاری رایج بروز پیدا می‌کند. البته، در زمان های گذشته خصوصاً در مواردی که تجارت بین المللی بود، به علت عدم سهولت در رفت و آمد، معاملات میان تجار نقدی بود و نسیه و سلف کاربردی نداشت، زیرا چه بسا دو تاجر بعد از آن هرگز هم دیگر را نمی‌دیدند. بنابراین، معامله کالی به کالی در آن زمان شبیه امروز کاربرد نداشت. امروزه، برخلاف تجارت در گذشته، در عمده معاملات تجارت جهانی خریدار و فروشنده هم دیگر را نمی‌بینند و به واسطه مکاتبات و وسایل ارتباط جهانی، عقدی منعقد می‌کنند و متصدیان کالاها را تحویل و حمل کرده، بانکها نیز طبق اسنادی بهای معامله را در زمان مقرر می‌پردازند. از سوی دیگر، در تجارت کنونی معقول نیست که خریدار وجه معامله یا ثمن بیع را نقدی به طرف دیگر بپردازد و منتظر تحویل کالا در موعد مقرر بماند، زیرا هم اکنون نیز با تمام تمهیدات برای حسن انجام کار و جلوگیری از تقلب، هنوز شاهد تخلف و نیرنگ در معاملات هستیم. در مجموع، امروزه عمده معاملات جهانی از قبیل صادرات و واردات نفتی، مواد معدنی، محصولات، مصنوعات کشاورزی و صنعتی که درآمد ارزی کشور را تأمین می‌کنند، از بیع کالی به کالی استفاده می‌شود. اما همان طور که پیش از این آمد، قراردادهای آتی به جهت تطبیق معامله کالی به کالی یا دین به دین بر

آن، باطل دانسته شده است. البته، طبق نظر فقها آنچه در این معامله نهی شده، بیعی است که در آن ثمن و مثن هر دو دینی باشند که قبل از بیع وجود داشته اند، نه این که به موجب بیع به وجود آمده و به صورت نسبه بر عهده طرفین قرار گیرد و چون این گونه معاملات در گذشته رایج نبوده، در مورد آن در متون فقهی گذشته به تفصیل بحث نشده است. همچنین، تا کنون بحث فقها بر بطلان قراردادهای آتی به جهت شمول معامله کالی به کالی بر آن بوده و تاکنون به دنبال بررسی دلایل صحت قراردادهای آتی نبوده اند. تحلیل قراردادهای آتی را از دیدگاه دیگر نیز می توان بررسی و بیان کرد؛ بدین ترتیب که این گونه قراردادها فی نفسه بیع نیستند، بلکه قرارداد برای بیع هستند. همچنین، در معامله کالی به کالی دینی وجود دارد که به تأخیر می افتد؛ به عبارت دیگر، دینی را که بر شخص دیگری داری با دینی که او بر دیگری دارد، مورد خرید و فروش قرار داده شود؛ یعنی، دین از بیع ناشی نمی شود. در صورتی که در قراردادهای آتی عکس این مورد است؛ یعنی، دین از بیع ناشی می شود؛ به عبارت دیگر، دو دینی که حال باشند مشمول کالی به کالی نمی شوند. معامله دین به دین وقتی صورت می گیرد که هر دو دین هنگام وقوع عقد موجود باشند. باید گفت در قراردادهای آتی قبل از عقد دین وجود ندارد؛ پس، بیع دین به دین تحقق نمی یابد.

در واقع، اشکال دیگری که به این نوع معاملات وارد است این است که بعضی از شرایط وضوابط بیع را ندارد مثلاً فروش کالایی که در اختیار انسان و نزد او موجود نیست آیا از مصادیق بیع (ما لم یقبض) است تا از منظر فقه جایز نباشد. آیا معاملات بازار بورس که ظاهراً قبضی صورت نمیگیرد یا مال موجود و حاضر نیست صحیح است یا خیر؟

درباره «بیع ما لم یقبض» احادیث فراوانی وجود دارد و در ادامه به بعضی از آنها اشاره می شود. این روایات به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- روایات منع از «بیع ما لم یقبض»؛ ۲- روایات جواز «بیع ما لم یقبض».

۱- روایات منع

- پیامبر اکرم (ص) :

«إني بعثت إلى أهل الله فأنهزم عن بيع ما لم يقبض...» (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۳۱/۷؛ حر عاملی، بی‌تا: ۵۸/۱۸؛ بیهقی، بی‌تا: ۳۱۳/۵؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۸۵/۴)؛
حقیقتاً من به سوی مردم مبعوث شدم تا آنها را از بیع آنچه هنوز قبض نکرده اند، نهی کنم....

- منصور بن حازم از ابوعبدالله (ع) چنین روایت می‌کند:
هر گاه کالای کیلی یا وزنی را خریدی و هنوز آن را قبض نکردی آن را نفروش مگر اینکه تولیه باشد. پس اگر کیلی یا وزنی نبود آن را بفروش (حر عاملی، بی‌تا: ۳۸۷/۱۲).
- به نقل از صفوان، امام ابوعبدالله (ع) درباره مردی که طعامی را خریداری نمود آنگاه قبل از قبض آن را فروخت فرمود: صحیح نیست مگر اینکه آن را قبض نماید (همان: ۳۹۰/۱۲).

۲- روایات جواز

- به نقل از احمد بن محمد، امام ابو جعفر (ع) درباره مردی که کالایی را خریداری نمود و قبل از قبض آن را فروخت فرمود: «اشکالی ندارد» (همان: ۳۸۷/۱۲).
- به نقل از ابوبصیر، امام ابوعبدالله (ع) درباره مردی که طعامی را خریداری کرد و قبل از قبض آن را فروخت فرمود:
فروش آن قبل از کیل و وزن صحیح نیست مگر آنکه به صورت بیع تولیه باشد و هر چیزی که کیلی و وزنی نیست فروش آن قبل از قبض اشکالی ندارد (همان: ۳۹۰/۱۲).
از این روایات بعضی مانند روایت صفوان از ابوعبدالله (ع) مطلق و بعضی مانند روایت ابوبصیر از ابوعبدالله (ع) مقید هستند و در این موارد شایسته است که احادیث و روایات مطلق بر روایات مقید حمل گردد؛ بدین صورت که گفته شود روایات مطلق (نهی) بر بیع مباحه در مورد کالای کیلی و وزنی حمل می‌گردد اما بیع این موارد به صورت بیع تولیه صحیح و روا می‌باشد.

از آنجا که قالب معاملات بورس، عقد بیع است برای صحت آن می‌توان به دلایل صحت بیع از قبیل عمومات آیات قرآن (ر.ک: بقره / ۲۷۵؛ نساء / ۲۹؛ مائده / ۱) و روایات دال بر

^۱. بیع تولیه: بیعی است که در آن از رأس المال خبر داده می‌شود و کالا را به همان قیمت خریداری شده می‌فروشند (حلی، ۱۴۰۵: ۳۶/۲).

جواز بیع به انگیزه سود استناد نمود. اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسد چنین معاملاتی صحیح نباشد، - زیرا فرد فروشنده هنوز آن را قبض ننموده است یا اینکه نزد وی حاضر نیست-، برای جواز چنین معاملاتی در بازار بورس می‌توان به مستندات تمسک جست.

۱- تمسک به عموم و اطلاق آیات: در هر صورت آیات عام و فراگیر هستند و شامل هر عقد و قراردادی می‌شوند مگر عقدی که به جهتی فساد داشته باشد که از قلمرو قاعده خارج شود. در چنین مواردی دلیلی نداریم که از فراگیری و شمول آیات جلوگیری کند. بنابراین، چنین معاملاتی صحیح و لازم هستند.

حکم «بیع ما لم یقبض» اختصاص به کالای خاص دارد و تمام موارد را شامل نمی‌شود؛ چرا که برخی فقها قائل به حرمت آن بیع در مورد طعام، و بعضی دیگر قائل به حرمت در کالاهای کیلی و وزنی می‌باشند. بنابراین، این منع شامل تمام موارد از جمله معاملات آتی در بازار بورس نمی‌شود.

۲- استناد به ادله قاعده «نفي عسر و حرج» است. عسر در لغت به معنای سختی و دشواری و حرج به معنای در تنگنا قرار گرفتن است. در فقه و حقوق منظور از این قاعده این است که هر گاه تکلیفی دشوار و مشقت بار باشد به گونه‌ای که عرفاً قابل تحمل نباشد از دوش مکلفان ساقط می‌شود (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۳). بر اساس این قاعده هر گاه حکمی از طرف شرع مقدس تشریح شد اگر در بعضی از حالات بر اثر عوارض خارجی مستلزم حرج باشد حکم مزبور به موجب آیه «وما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج / ۷۷) از صفحه تشریح برداشته می‌شود (بجنوردی، ۱۳۸۱: ۳۷۱) حتی اگر قائل به عدم جواز این قراردادها گردیم، می‌توان از جایی که این حکم حرجی است قائل به حکومت این ادله بر ناروایی آن شد. در بازار بورس حجم بسیار بالایی از کالاها معامله می‌شود به گونه‌ای که اگر بخواهیم این مقدار از کالا را در بازارهای عادی معامله کنیم بسیار سخت و مشکل است و خریدار و فروشنده به زحمت می‌افتند. لذا بنا بر فرض اینکه معاملات بازار بورس در حالت اولیه صحیح نباشد با «قاعده لاجرح» تعارض می‌یابد و در اینجا قاعده لاجرح که از احکام ثانویه است، بر احکام اولیه از باب حکومت مقدم می‌شود که به موجب قاعده، هیچ حکم حرجی جعل و تشریح نشده است یا اینکه گفته شود در اینجا از باب قاعده اضطرار چنین معاملاتی صحیح و جایز هستند.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه معاملات بازار بورس تأثیر زیادی در رشد اقتصادی کشور دارد اگر این معاملات در چارچوب کلی عقود اسلامی انجام پذیرد هم عرفاً و هم شرعاً صحیح و مشروع می باشد و مورد تأیید شریعت اسلام قرار می گیرد.



منابع و مأخذ

- ۱- قران کریم
- ۲- سید سجاد علم الهدی، مهناز اکبری (۱۳۹۴) "بررسی تطبیقی معاملات بازار بورس با عقود اسلامی"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول
- ۳- طباطبایی - سید صادق (۱۳۹۴) "تاملی فقهی در بورس" نشریه فقه واجتهاد، سال دوم شماره چهارم
- ۴- ناصری مقدم، حسین؛ بخردیان، داریوش؛ ارژنگ، اردوان (۱۳۹۲) "بررسی روایی قبض در معاملات آتی بورس" نشریه آموزه های فقه مدنی، شماره ۸
- ۵- سلطانی نژاد، هدایت اله (۱۳۷۵). «بررسی اعتبار بیع کالی به کالی در حقوق ایران و منابع فقهی»، نامه مفید، ش ۶.
- ۶- صالح آبادی، علی (۱۳۸۲). «بورس بازی در بازار سهام از دیدگاه اسلام»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۲۰.
- ۷- طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۰). «تأثیر غرر در معاملات»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، ش ۱.
- ۸- طالبی، محمد، عباس موسویان و حامد سلطانی نژاد (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی فروش استقراضی سهام با عقد های اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۷.
- ۹- میر معزی، حسین (۱۳۸۲). «بورس بازی از دیدگاه فقه»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۹.
- ۱۰- صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۱- گلریز، حسن، بورس اوراق بهادار با توجه خاص به بورس اوراق بهادار تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۲- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، چاپ پنجم، تهران، دادگستر، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۳- معصومی نیا، غلام علی، ابزارهای مشتقه: بررسی فقهی و اقتصادی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۴- هیثمی، علی بن ابوبکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.

- ۱۵- بجنوردی، سیدحسن، قواعد فقهیه، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۶- بیهقی، احمد بن حسین، السنن لکبری، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ۱۷- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۸- حسن زاده، علی و اعظم احمدیان (۱۳۸۸ ش)، اثر توسعه بازار بورس بر رشد اقتصادی، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۲.
- ۱۹- موسویان، عباس و حسن بهاری قراملکی(۱۳۸۹). « ضوابط قیمت گذاری از منظر فقه امامیه»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۲.
- ۲۰- نجفی، مهدی (۱۳۸۴). « اخلاق و کارایی در بازار سهام از دیدگاه اسلام»، فصل نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۱۸.

